

عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر گرایش شهروندان به ورزش همگانی (مطالعه موردی: شهر کرمان)

جواد معین‌الدینی^۱، علیرضا صنعت‌خواه^۲

چکیده

هدف اصلی تحقیق حاضر بررسی عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مؤثر بر گرایش شهروندان شهر کرمان به ورزش همگانی است. چارچوب نظری تحقیق براساس تلفیق نظریات گافمن، گیدنز، بوردیو و بلوخ است که مفهوم جدیدی را به نام سبک زندگی ورزش محور مطرح کرده و از طرف دیگر متغیرهایی از جمله سرمایه اجتماعی ورزش محور، سرمایه اقتصادی ورزش محور و سرمایه فرهنگی ورزش محور را تعریف می‌کند. روش تحقیق کمی - پیمایشی و ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه است. نمونه تحقیق برابر با ۴۰۰ نفر و جامعه آماری تحقیق جمعیت ۱۵ ساله شهر کرمان را در سال ۱۳۹۰ شامل می‌شود. تحقیق با استفاده از روش نمونه‌گیری تلفیقی خوشه‌ای و طبقه‌بندی شده در مناطق پنج‌گانه شهر کرمان و تحلیل متغیرها با استفاده از نرم افزار Amos 17، و در قالب مدل مسیر که پس از اصلاحات، برازش یافته صورت پذیرفته است. نتایج تحلیل مسیر نشان می‌دهد که متغیرهای تصور شخص از بدن، مصرف رسانه‌ای و سرمایه فرهنگی ورزش محور تاثیر مستقیم و به ترتیب در حدود ۰/۱۳، ۰/۲۰ و ۰/۱۶ را بر گرایش شهروندان به ورزش همگانی داشته‌اند و متغیرهای سرمایه اقتصادی ورزش محور، سرمایه اجتماعی ورزش محور، تنها و از راه سرمایه فرهنگی ورزش محور، تاثیری غیرمستقیم بر گرایش شهروندان به ورزش داشته‌اند.

واژه‌های کلیدی: ورزش همگانی، تصور از بدن، سرمایه اجتماعی ورزش محور، سرمایه اقتصادی ورزش محور، سرمایه فرهنگی ورزش محور

۱- j.moeinadini@yahoo.com

۱- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان (نویسنده مسؤول)

۲- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان a.sanatkhah@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۱/۲/۲۶

تاریخ دریافت: ۹۰/۹/۱۸

مقدمه

زندگی آپارتمان‌نشینی در شهرها، به همراه کاربرد روزافزون تکنولوژی و ماشینی شدن کارها، تأثیرات بسیاری بر فعالیت بدنی افراد و فقر حرکتی گریبانگیر زندگی شهری کرده است و ورزش می‌تواند در رفع این مشکل گام مؤثری باشد. ساختار ورزش کشور ما به گونه‌ای است که مدیریت کلان ورزشی کشور به سمت ورزش قهرمانی میل دارد و بخش عمده فعالیت مدیریتی ورزش به توان، وقت و اعتبارات ورزش قهرمانی سوق پیدا کرده است. گرایش وافر مدیریتی به ورزش قهرمانی و بی‌توجهی به ورزش همگانی که در راستای سلامت مردم جامعه، می‌تواند نقش مهمی را بر عهده گیرد، یکی از اشکالات اساسی و ساختاری ورزشی کشور ماست. در این بین، نگاه مردم به ورزش به دلیل جذابیت ورزش قهرمانی و در کنار آن تبلیغات رسانه‌ای به بعد قهرمانی است. به همین علت در بحث فرهنگ‌سازی برای ورزش‌های همگانی توفیق چندانی حاصل نشده است (احمدی مظفری، ۱۳۸۷: ۶۷)

ورزش همگانی با وجود سادگی حرکات در زمینه سلامت شهروندان می‌تواند نقش مهمی را بر عهده بگیرد. از طرف دیگر این نوع ورزش رایگان است و نیاز به سرمایه‌گذاری آنچنانی شهروندان ندارد. به همین علت بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش شهروندان به ورزش همگانی ضرورت دارد زیرا از طریق شناسایی این عوامل می‌توان به بهترین نحو به مدیران و برنامه‌ریزان کلان دولتی، کمک کرد تا با یک برنامه‌ریزی دقیق، ورزش را در اوقات فراغت شهروندان جای دهند تا مردم زندگی ورزش محور را به عنوان سبک زندگی خویش انتخاب کنند.

تحقیقی که پیش روست، برای تجزیه و تحلیل جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر گرایش شهروندان به ورزش همگانی، مفاهیم جدیدی را با عنوان سبک زندگی ورزش محور، سرمایه اجتماعی ورزش محور، سرمایه اقتصادی ورزش محور و سرمایه فرهنگی ورزش محور ابداع کرده و برای آن تعریف مفهومی و عملیاتی‌ای ارائه کرده که در قالب فرضیات تحقیق مورد آزمون قرار گرفته‌اند.

طرح مسأله

در گذشته‌ای نه چندان دور، فقر حرکتی در میان مردم بسیار پایین و برای مثال در جامعه کشاورزی، کار کردن بر روی زمین زراعی نیازمند بهره‌گیری فراوان از نیروی بدنی بوده است. در زندگی شهری نیز درغیاب تکنولوژی، جابجایی تا محل کار، فعالیت‌های شغلی، مسافرت‌ها و غیره، تا حد زیادی فعالیت‌های بدنی را می‌طلبید اما با ورود تکنولوژی، جابجایی مکانیزه شد و همچنین ارتباطات با انقلاب در رسانه‌ها، نیاز کمتری به صرف نیروی بدنی و تحمل مسافت‌های طولانی پیدا کرد. عوامل یاد شده به همراه زندگی آپارتمان‌نشینی، زندگی ما را با فقر حرکتی مواجه ساخته و این فقر حرکتی باعث مسائلی فراوانی در زندگی شهری شده است. به همین علت توجه به تناسب اندام و سلامتی در مباحث جامعه‌شناسی شهری اهمیت یافته است (فوکس، ۱۹۹۷: ۲۷).

امروزه در شهرها، عدم تناسب اندام از کودکان شروع شده و شعاع آن حتی افراد مسن را هم در بر گرفته است. به نظر می‌رسد ورزش به عنوان راه‌حل راهبردی و ورزش همگانی به عنوان وسیله‌ای ارزان قیمت و فرح‌بخش می‌تواند مشکل تناسب اندام و از طرف دیگر، مشکل سلامت را در زندگی شهری به نحو مطلوب بهبود بخشد.

از آنجاکه ورزش همگانی، سهل‌الوصول و ارزان است. تمامی مردم در شهرها می‌توانند از آن بهره‌مند شوند. این ورزش با هدف افزایش مشارکت تمام گروه‌های اجتماعی و فراهم کردن تکثرگرایی ورزشی، تقویت ورزش قهرمانی، ورزش رقابتی، تفریحات سالم و ورزش تفریحی پایه‌گذاری شده است (روشندل، ۱۳۸۶: ۵۴). با این حال ورزش همگانی به شرایط جغرافیایی منطقه‌ای و فرهنگی - اجتماعی بستگی دارد و شامل همه فعالیت‌های ورزشی سازمان یافته و سازمان نیافته تفریحی و بازی‌های بومی - محلی می‌شود و مخاطب آن عام است (اتکینسون، ۱۹۸۱: ۳۶؛ گائینی، ۱۳۸۷: ۱۲۱)

همانگونه که می‌دانیم تمام افراد جامعه، نیاز به گذراندن صحیح و مناسب اوقات فراغت خود دارند، اما جوانان، بویژه دانشجویان، با توجه به نقش حساس و سازنده‌ای که در ساخت فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کشور دارند، در این‌باره نیازمند توجه دقیق‌تری

هستند. (لهسانی‌زاده و همکاران، ۱۳۸۵) امروزه گذراندن اوقات فراغت با ورزش، اصلی اساسی در زندگی میلیاردها انسان در جهان به شمار می‌آید. تحقیقی که پیش‌روست، در درجه اول در پی آن است که مشخص کند که آیا ورزش در اوقات فراغت ایرانیان جایگاهی دارد یا خیر؟ پس از آن در این تحقیق تلاش شده است تا گرایش شهروندان به ورزش در شهر کرمان اندازه‌گیری شود و عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مؤثر بر آن مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

پیشینه مطالعاتی

مطالعاتی که در رابطه با ورزش از دیدگاه جامعه‌شناختی صورت گرفته، عمدتاً به ۵ دسته اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و جمعیت‌شناختی تقسیم می‌شوند. برخی تأکید زیادی بر رابطه میان وضعیت اقتصادی فرد و جامعه و ورزش دارند (کواکلی، ۱۹۹۸: ۹۲۵-۳۶۶). نتایج اینگونه تحقیقات بیشتر نشان می‌دهد که از یک طرف افراد طبقات پایین به ورزش‌های کم هزینه بیشتر تمایل دارند در حالی که افراد طبقات بالا به ورزش‌های پرهزینه رو می‌آورند. از سوی دیگر به علت تجاری شدن ورزش، دست‌اندرکاران ورزش‌های حرفه‌ای بر روی افراد طبقات پایین جامعه سرمایه‌گذاری ورزشی می‌کنند و با سودهای کلانی که می‌برند، آن‌ها را استثمار می‌نمایند. این دسته از محققان بحث می‌کنند که اگر قرار است ورزش به یک پدیده طبقاتی تبدیل نشود، باید امکانات ورزشی به گونه‌ای از طرف مؤسسات غیرانتفاعی در دسترس افراد طبقات متوسط و پایینی قرار گیرد. آن‌هایی که به جنبه‌های اجتماعی ورزش تأکید دارند (فولی، ۱۹۹۰ به نقل از پارسامهر، ۱۳۸۷) مسأله اجتماعی شدن را پیش می‌کشند و سعی می‌کنند نشان دهند که اجتماعی شدن از راه ورزش، یک فرایند فعال یادگیری (بندورا، ۱۹۹۷: ۸۹) و توسعه اجتماعی (اندرسن، ۱۹۹۲: ۳۴۳) است که در نتیجه کنش متقابل با دیگران در دنیای ورزش به دست می‌آید و افراد یک سیستم از ورزش معنایی در ذهن خود دارند و براساس آن با دیگران به کنش متقابل می‌پردازند. توانایی‌های افراد و آموزش‌های دوران کودکی و

نوجوانی اهمیت دارد و اگر شرایط اجتماعی مناسب باشد، شخص به ورزش کردن ادامه می‌دهد و در غیر این صورت یا شاخه ورزشی خود را تغییر می‌دهد و یا به طور کلی از ورزش کناره‌گیری می‌نماید (آکرز، ۱۹۸۵: ۶۷).

برخی از تحقیقات بر جنبه‌های فرهنگی مسأله ورزش تأکید کرده‌اند (هورن، تامیلنسون و وانل، ۱۹۹۹ به نقل از فتحی، ۱۳۸۸). در این باره بیشتر تحقیق‌ها مربوط به قومیت‌ها و نژادها و چگونگی مشارکت آن‌ها در ورزش است و برخی خواسته‌اند ثابت کنند که ورزش وسیله‌ای است که تفاوت‌ها و تبعیض‌های نژادی و قومی را برطرف می‌کند.

در مقابل تعدادی از تحقیقات خواسته‌اند ثابت کنند که در ورزش مانند دیگر نهادهای اجتماعی، تبعیض‌های نژادی و قومی اثرات شدیدی بر مشارکت افراد در ورزش‌های گوناگون دارد.

درگیر کردن ورزش با مسائل سیاسی، باعث شده تا حجم قابل توجهی از تحقیقات ورزشی به مسأله رابطه میان سیاست و ورزش اختصاص داده شود (آلیسون، ۱۹۹۳، به نقل از فتحی، ۱۳۸۸) در این باره مسأله قدرت و اعمال آن در ورزش از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این محققان برای این نکته تأکید دارند که اعمال قدرت در ورزش هم از خارج از پیکره ورزش و هم از درون ساختارهای کنترلی خود ورزش سرچشمه می‌گیرد.

زمانی که از فشارهای بیرونی صحبت می‌شود، از سطوح محلی گرفته تا سطوح بین‌المللی، گروه‌های فشار به ورزش فشار وارد می‌کنند و عوامل دست‌اندرکار از سطح یک مربی گرفته تا فدراسیون‌های جهانی، می‌خواهند از ورزش به عنوان یک ابزار برای اهداف خود استفاده کنند و همه به کنترل ورزشکاران و برنامه‌های ورزشی تمایل دارند.

تعدادی از تحقیقات بر رابطه میان عوامل جمعیت‌شناختی و ورزش پرداخته‌اند (هال، ۱۹۹۶ به نقل از مفلحی، ۱۳۸۶)

از عوامل جمعیت‌شناختی مؤثر بسیار مهم بر ورزش، جنسیت است. در حالی که بسیاری از ورزش‌ها حالت مردانه دارند و نگرش مردان نسبت به این ورزش‌ها آن‌چنان بوده که این فعالیت‌ها مردانه تلقی شده‌اند، با این حال در قرن بیستم تلاش زنان برای وارد

شدن به عرصه‌های ورزشی مردانه بسیار چشمگیر بوده است (بلر و همکاران، ۱۹۹۳: ۳۷۰؛ آیلر، ۱۹۹۷: ۴۳). زنان با تمام تلاش‌های صورت گرفته هنوز در ورزش‌های خارج از سالن از مردان عقب‌ترند. از سوی دیگر، زنان در میان ورزش‌ها بیشتر به ورزش‌های سبک تمایل دارند که البته این امر از نگرش مدیران ورزشی که معمولاً هم مرد هستند، نسبت به فعالیت‌های ورزشی زنان ناشی می‌شود.

دسته‌ای دیگر از محققان ورزش به «ابزارگرایان» معروفند که آنان بیشتر به میزان در دسترس بودن ابزار آلات و امکانات ورزشی تأکید دارند و کوشیده‌اند نشان دهند هرچه امکانات ورزشی بیشتر باشد، اثر ورزش می‌تواند مثبت‌تر باشد. آنان بر این باورند که کمبود وسایل و امکانات ورزشی، جوانان را از پرداختن به ورزش باز می‌دارد و امکان رشد انحرافات اجتماعی در میان آن‌ها بیشتر می‌شود (کواکلی و دانلی، ۱۹۹۹ به نقل از پارسامهر، ۱۳۸۷)

در جمع بندی پیشینه تحقیق می‌توان به این نکته اشاره کرد که برخی از تحقیقات، بر رابطه میان وضعیت اقتصادی فرد و جامعه و ورزش تأکید دارند. نتایج به دست آمده در اینگونه تحقیقات بیانگر از آن است که طبقات بالای اجتماعی به ورزش‌های پر هزینه و طبقات پایین به ورزش‌های کم هزینه تمایل دارند.

گروه دیگر از تحقیقات به فرایند اجتماعی شدن توسط ورزش تأکید دارند که در نتیجه کنش متقابل با دیگران به دست می‌آید. آموزش‌های دوران کودکی در این زمینه بسیار اهمیت دارد اما اگر شرایط اجتماعی در آینده کودکان مساعد نباشد، آن‌ها ورزش را رها خواهند کرد.

برخی از تحقیقات، به جنبه‌های فرهنگی ورزش نظر دارند و نتایج آن‌ها نشان می‌دهد که با کمک ورزش می‌توان تبعیض‌های نژادی را به حداقل رساند، چرا که ورزش قادر است افراد را در کنار هم گردآورد و روابط ورزشی و رقابتی بین ورزشکاران می‌تواند نوعی سرمایه اجتماعی را به وجود آورد. برخی از تحقیقات نیز درست عکس مطالب بالا را عنوان کرده‌اند و معتقدند که در ورزش تبعیض‌های بسیاری وجود دارد.

از بررسی نتایج تحقیقات بالا مشخص است که، تبیین جامعی در باره زمین‌های اجتماعی‌ای که می‌توانند گرایش به ورزش را در افراد جامعه تقویت کنند، صورت نگرفته است و پراکندگی عوامل کشف شده، باید در یک چارچوب منسجم آورده شود. همچنین باید با توجه به نقش حساس رسانه‌ها، آموزش، محیط اجتماعی و... عواملی را به تحلیل‌های گذشته اضافه کنیم که نمایانگر رویکرد جامعی در این موضوع باشد.

چارچوب نظری تحقیق

هیچ‌کس نمی‌تواند تأثیر روابط و مناسبات اجتماعی را بر ورزش و اینکه چگونه این روابط و مناسبات به ورزش معنا می‌دهند و وجود آن‌را به عنوان یک فعالیت انسانی توجیه و تفسیر می‌کنند نادیده بگیرد (انورالخولی، ۱۳۸۳: ۵۸). بنابراین ورزش نمی‌تواند از اندیشه اجتماعی حاکم بر جامعه خود تأثیر نپذیرد. از آنجا که اندیشه‌های اجتماعی، بر حسب تفاوت جوامع، متفاوتند و این تفاوت و تباین در ورزش و کوشش‌هایی که برای تفسیر کارکرد اجتماعی آن صورت می‌گیرد، انعکاس دارد، نیاز به تدوین یک چارچوب نظری براساس شرایط اجتماعی کشورمان، ما را بر آن داشت تا چارچوب نظری تلفیقی‌ای را براساس دیدگاه‌های اندیشمندانی همچون گافمن، گیدنز و بوردیو طراحی کنیم.

به منظور تبیین عوامل مؤثر بر ارتقا گرایش شهروندان به ورزش همگانی باید به مفهومی با عنوان «سبک زندگی» توجه کرد و با توجه به این مفهوم باید به این سؤال پاسخ داد که چه عواملی باعث می‌شوند تا رژیم غذایی و ورزش، در زندگی شهروندان جایگاهی داشته باشد و مردم ترجیح دهند که به جای به‌کارگیری عواملی که برای سلامتی ایشان مضر است (از جمله رعایت نکردن رژیم غذایی، کشیدن سیگار و قلیان، سوء مصرف مواد مخدر و...)، ورزش و فعالیت‌های بدنی را سرلوحه زندگی خویش قرار دهند؟ مهمتر از همه اینکه چه عواملی باعث می‌شود که افراد سبک زندگی خویش را سبک زندگی ورزش محور قرار دهند؟

مفهوم سبک زندگی ورزش محور، رابطه تنگاتنگی با مفهوم طرح شده بلوخ (Bloch) با عنوان سبک زندگی سلامت محور دارد. بلوخ سبک زندگی سلامت محور را به عنوان یک راهنما برای جلوگیری از مشکلات بهداشتی و تضمین کننده حد اعلاى سلامتی برای فرد می داند و در این زمینه به رژیم غذایی و ورزش اشاره دارد. (دیوین و لپیستو ۲۰۰۷: ۲؛ به نقل از قاسمی، ۱۳۸۷)

مفهوم سبک زندگی ورزش محور، در تعریفی که مورد توجه ماست، از ورزش حرفه‌ای فاصله می‌گیرد و به شیوه‌هایی اشاره دارد که شهروندان درباره حفظ سلامت خود، به ورزش (ورزش همگانی) متمایل می‌شوند. در این تعریف ورزش به عنوان یک حرفه محسوب نمی‌شود، بلکه به عنوان یک نیاز و ضرورت زندگی به منظور بالا بردن سلامت شهروندان مطرح می‌گردد.

همچنین افراد سبک زندگی خود را در کنش متقابل با دیگران و در یک رهیافت تفسیرگرایانه از موقعیت‌ها انتخاب می‌کنند. طبق دیدگاه گافمن، بین «خود اجتماعی» و یا «هویت اجتماعی» با «خود واقعی»، فاصله‌ای وجود دارد. از نظر او نقش‌های اجتماعی و موقعیت‌های اجتماعی، تنها نمایش‌هایی است که در زندگی روزمره اجرا می‌شوند و «خود» افراد به وسیله نقش‌هایی که در این موقعیت‌ها اجرا می‌کنند، شکل می‌گیرد و معنا می‌یابد. گافمن ضمن استفاده از مفهوم «خود» تا اندازه زیادی به بدن فرد نیز اشاره دارد. (سینوت، ۱۹۹۸؛ به نقل از فاتحی و اخلاصی، ۱۳۸۷)

این «خود» در نگاه گافمن بسیار آسیب‌پذیر است، به همین علت ایشان برای محافظت از «خود» و اجراهای آن در زندگی روزمره، مفهوم «مدیریت تأثیرگذاری» را مطرح می‌کند. وی در پرداخت این مفهوم، چنین ادعا می‌کند که افراد در هنگام کنش متقابل می‌کوشند جنبه‌ای از خود را که مورد پذیرش دیگران باشد نمایش دهند.

اما کنشگران حتی در حین انجام این عمل می‌دانند که تماشاچیان ممکن است در اجرای نقش‌های آنها اختلال ایجاد کنند، به همین دلیل، آنها نیاز به نظارت بر تماشاچیان را به ویژه مراقبت از عناصری که ممکن است اختلال‌گر باشند احساس می‌کنند. کنشگران

امید دارند، «خودی» را که به ایشان نشان می‌دهند به اندازه‌ای قدرتمند باشد که خودشان می‌خواهند نمایش دهند، کنشگران همچنین امید دارند که نمایش آنها تماشاچیان را وادار سازد تا داوطلبانه به دلخواه آنها عمل کنند. گافمن این علاقه اصلی را به عنوان «مدیریت تأثیرگذاری» مطرح نموده است. (ریتزر، ۲۰۱۱: ۳۷۶)

دیگران، می‌توانند درباره‌ی تناسب اندام و مدیریت شخص بر بدن خود، نیز قضاوت کنند. آنها می‌توانند درباره‌ی میزان اهمیت سلامتی، رژیم غذایی و تناسب اندام برای فرد، نیز قضاوت کنند. این قضاوت‌ها می‌تواند با انتظاراتی از فرد درباره‌ی مدیریت صحیح بر بدنش از سوی دیگران مطرح شود.

از طرف دیگر با توجه به دیدگاه گیدنز، می‌توان گفت که این قضاوت‌ها و انتظارات در مسیر تکامل جوامع و با پیوستن آنها به فرایند جهانی شدن، به گونه مؤثرتری بر شهروندان در جوامع گوناگون اعمال می‌شوند چراکه جهانی شدن علاوه بر تأثیراتی که بر اقتصاد، سیاست، روابط و مناسبات اجتماعی می‌گذارد، بر عقاید، باورها و به طور کلی فرهنگ مردم نیز تأثیرات عمده‌ای را برجای می‌گذارد.

ما چه بخواهیم و چه نخواهیم، امواج اطلاعاتی با کمک تکنولوژی که هر روزه پیشرفته‌تر می‌شود، مرزهای ما را خواهد پیمود. این آگاهی و اطلاعات زمینه‌ساز نیازهایی خواهد بود که می‌توانند در راستای مدیریت صحیح افراد بر بدنشان نیز متجلی شود.

توجه مردم کشورهای پیشرفته و تبلیغات آنها در خصوص تناسب اندام و ورزش، در قالب فیلم‌ها و سریال‌ها و به طور کلی از راه رسانه‌های همگانی به کشورهای در حال توسعه نیز راه پیدا خواهد کرد و ابتدا اقشار بالای جامعه را در این خصوص آگاه ساخته و حساسیتی در آنها برانگیخته خواهد کرد و پس از آن فرایند یادشده به اقشار پایین جامعه نیز خواهد رسید.

ما در فرایند جهانی شدن شاهد افزایش تعامل و وابستگی متقابل میان مردم کشورهای گوناگون دنیا هستیم. پس می‌توان گفت که طبق دیدگاه گیدنز، در شکل‌گیری سبک زندگی

ورزش محور، یک دگرگونی همراه مدرنیته و ورود جوامع به دوران مدرن پدیدار می‌شود و آداب و رسوم و عادت‌های سنتی جای خود را به عادات جدید می‌دهند.

با ورود به دوران مدرن، جوامع در حال توسعه نیز چه بخواهند و چه نخواهند، عناصری از مدرنیته را در خود می‌پذیرند. تکنولوژی هرچند در حالت ابتدایی آن وارد کشورهای پیرامونی (همچون کشور ما می‌شود)، این امر تحرک و فعالیت بدنی را تحت تأثیر قرار خواهد داد. از یک طرف تکنولوژی فعالیت‌های بدنی را کاهش می‌دهد اما از طرف دیگر رسانه‌ها می‌توانند عادات جدیدی را براساس ارزشهای مبتنی بر ورزش ایجاد کنند. با این وجود شکل‌گیری سبک زندگی ورزش محور، تحت تأثیر اوضاع و احوال اجتماعی و اقتصادی، فشارهای گروه، مدل‌های رفتاری فرد نیز قرار دارند. (کاکرهام، ۲۰۰۷: ۱۶۳) و (گیدنز، ۱۳۸۳: ۱۹)

در این تعریف سبک‌های زندگی نه تنها نیازهای ضروری را کامل می‌کنند بلکه اطلاعاتی را در مورد خود هویتی شکل می‌بخشد بنابراین گیدنز وضعیت را انتخاب می‌کند که در آن سبک‌های زندگی در بین محدودیت‌ها و فرصت‌های ارائه شده توسط موقعیت اجتماعی یک فرد بیان شده است و فرد مجبور به سازگاری فرد با ساختار انعطاف‌پذیر سبک‌های زندگی و خود هویتی‌اش است. (کاکرهام، ۲۰۰۷: ۱۶۳) در خود هویتی، فرد می‌تواند احساس نیاز به ورزش را در خویش ایجاد کند که در این صورت ورزش به عنوان یک ضرورت در زندگی او مطرح می‌شود و فرد به هدف‌گذاری زندگی روزانه خود بر اساس ورزش می‌پردازد و براساس آن دست به برنامه‌ریزی هدفمند می‌زند.

اما پذیرش این هویت از سوی فرد و انتخاب سبک زندگی ورزش محور، تحت تأثیر شانس‌ها و فرصت‌های زندگی فردی قرار دارد که با توجه به اوضاع و احوال اجتماعی و اقتصادی، فشارهای گروه و تجربیات زندگی، موقعیت فرد در زندگی، ارزش‌ها و نگرش‌های او صورت می‌گیرد.

در درک بهتر شانس‌ها و فرصت‌های زندگی فردی، به دیدگاه ماکس وبر توجه ویژه‌ای داریم. زیرا سبک زندگی ورزش محور را می‌توان براساس مفهوم وبری دربارهٔ سلوک و شانس‌های زندگی نیز بیان کرد.

بر طبق این دیدگاه، می‌توان گفت شهروندان در کنش متقابل با دیگران، می‌توانند ورزش را به عنوان یک مؤلفه مهم برای حفظ سلامتی و تناسب اندام فراگیرند و سبک زندگی خود را براساس سبک زندگی ورزش محور برگزینند و ساختار روابط و مناسبات اجتماعی برای رسیدن به این مسأله نقش حساسی را برعهده دارد. در فرآیند جهانی شدن و شکل‌گیری ارزشها و نیازهای نوظهور مردمی، توجه به ورزش و قضاوت جامعه دربارهٔ تناسب اندام و مدیریت بر بدن اهمیت بسیاری دارد. اما اگر شهروندان فرصت‌هایی را برای انتخاب سبک زندگی ورزش محور در اختیار نداشته باشند قادر نخواهند بود این سبک زندگی را برای خویش برگزینند. فرصت‌هایی که در اختیار فرد قرار دارد می‌تواند براساس رویکرد پیر بوردیو (۱۹۹۸: ۲۴)، سرمایه‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی را در راستای انتخاب سبک زندگی ورزش محور در فرد ایجاد کند. از نظر بوردیو دربارهٔ مفهوم سرمایه می‌توان بدین نکته اشاره کرد که افراد جامعه ظرفیت‌ها و سرمایه‌های گوناگونی را در اختیار دارند.

سرمایه اقتصادی با ثروت مادی همچون درآمد پولی، منابع مادی دیگر، دارایی‌ها و حقوق مالی، سرمایه فرهنگی با منابع فرهنگی از قبیل دانش و آموزش همراه است که شامل گرایش‌ها و عادات دیرپایی که طی فرآیند جامعه‌پذیری به دست می‌آید و هدفهای فرهنگی ارزشمندی مانند قابلیت‌های تحصیلی و مهارتی را به دنبال دارد (بوردیو، ۱۳۸۱؛ به نقل از امیری مقدم، ۱۳۸۷: ۷۷) هستند.

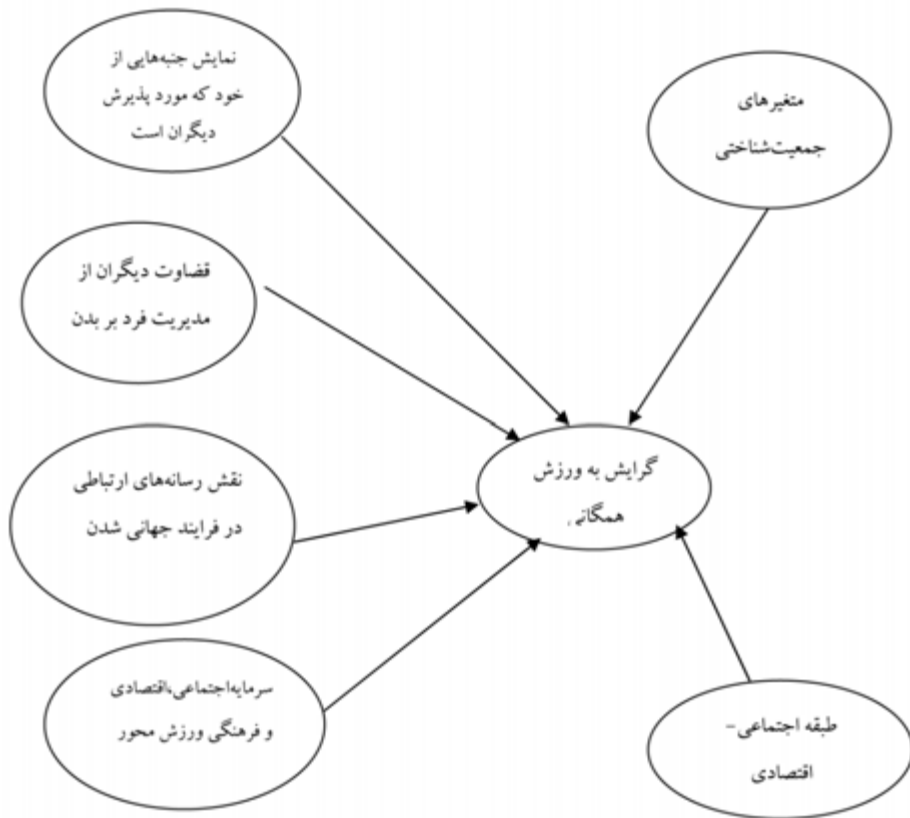
با توجه به دیدگاه بوردیو سه مفهوم جدید را مطرح می‌سازیم: یکی سرمایه اجتماعی ورزش محور، و دیگری سرمایه اقتصادی ورزش محور و همچنین سرمایه فرهنگی ورزش محور.

سرمایه اجتماعی ورزش محور با چارچوب‌های اجتماعی در فرد (از قبیل سن، جنس، وضعیت تأهل و...) و همچنین در خانواده، دوستان و همکاران و دیگر افراد نزدیک به فرد همراه است که علاقه و اشتیاق فرد را برای مدیریت درست بر بدنش و گرایش او به ورزش را برانگیخته می‌سازند. در واقع این نوع سرمایه به مولفه‌هایی در زندگی فرد اشاره دارند که مشوق او در انتخاب سبک زندگی ورزش محور هستند. در سبک زندگی ورزش محور، انجام فعالیت‌های ورزشی به عنوان یک نیاز برای فرد مطرح می‌شود. این نیاز او را به انجام حرکات ورزشی در طول روز و ادار می‌کند. هرچقدر خانواده، دوستان و همکاران، فرد را بیشتر به انجام حرکات ورزشی نمایند و هرچقدر سازمان‌های دولتی امکاناتی را برای انجام فعالیت‌های ورزشی تشویق فراهم کنند، بستر مناسب تری برای این نوع سرمایه فراهم می‌شود.

سرمایه فرهنگی ورزش محور به چارچوب‌های فرهنگی‌ای اشاره دارد که از راه وسایل ارتباط جمعی (از قبیل ماهواره، اینترنت، تلویزیون و...)، علاقه و اشتیاق را در فرد برای مدیریت صحیح بر بدن برانگیخته ساخته و گرایش او را به ورزش افزایش می‌دهند.

سرمایه اقتصادی ورزش محور به چارچوب‌های اقتصادی‌ای اشاره دارد که فرصتی را در اختیار فرد قرار می‌دهند تا او بتواند زمانی را در طول روز به ورزش اختصاص دهد، از قبیل مسؤولیت‌های شغلی و به طور کلی وضعیت درآمدی، طبقه اجتماعی و...

شهروندانی که توان دستیابی به سرمایه‌های یادشده را دارند می‌توانند در طول روز برنامه منظم ورزشی‌ای را برای خویش داشته باشند و سبک زندگی ورزش محور را در زندگی برای خویش و خانواده خود برگزینند.



نمودار ۱: مدل مفهومی زمینه‌های اجتماعی مؤثر بر گرایش شهروندان به ورزش همگانی

فرضیات تحقیق

۱. بین طبقه اجتماعی - اقتصادی و گرایش شهروندان به ورزش همگانی رابطه معنی‌داری وجود دارد.
۲. بین تصور شخص از بدن و گرایش شهروندان به ورزش همگانی رابطه معناداری وجود دارد.

۳. بین مصرف رسانه‌ای و گرایش شهروندان به ورزش همگانی رابطه معناداری وجود دارد.
۴. بین نمایش تبلیغات ورزشی در رسانه‌ها و گرایش شهروندان به ورزش همگانی رابطه معناداری وجود دارد.
۵. بین نمایش مدیریت شخصی بر بدن در رسانه‌ها و گرایش شهروندان به ورزش همگانی رابطه معناداری وجود دارد.
۶. بین آگاهی فرد از سودمندی فعالیت ورزشی و گرایش شهروندان به ورزش همگانی رابطه معناداری وجود دارد.
۷. بین سرمایه اجتماعی ورزش محور و گرایش شهروندان به ورزش همگانی رابطه معناداری وجود دارد.
۸. بین سرمایه فرهنگی ورزش محور و گرایش شهروندان به ورزش همگانی رابطه معناداری وجود دارد.
۹. بین سرمایه اجتماعی ورزش محور و گرایش شهروندان به ورزش همگانی رابطه معناداری وجود دارد.

روش‌شناسی تحقیق

تحقیقی که پیش‌روست براساس روش پیمایشی تدوین یافته است. نمونه تحقیق براساس فرمول کوکران در حدود ۴۰۰ نفر برآورد شده است. روش نمونه‌گیری براساس تلفیق روش‌های نمونه‌گیری خوشه‌ای و طبقه‌بندی شده براساس سن و جنس در مناطق شهرداری شهر کرمان صورت گرفته است و جامعه آماری جمعیت ۱۵ ساله و بالاتر، شهر کرمان در سال ۱۳۹۰ (یعنی به تقریب برابر با ۳۰۰۰۰۰ نفر) است. درباره اعتبار تحقیق از اعتبار سازه استفاده شده و درباره پایایی، ابزار سنجش از ضریب آلفای کرونباخ کمک گرفته شده است. ضریب آلفای کرونباخ برای طبقه اجتماعی - اقتصادی برابر با (۰/۸۶۵)، آگاهی فرد از سودمندی فعالیت ورزشی (۰/۹۱۲)، اهمیت رژیم غذایی (۰/۸۵۹)، سرمایه

اقتصادی ورزش محور (۰/۷۳۸)، گرایش به ورزش همگانی (۰/۷۳۶)، نمایش تبلیغات ورزشی در رسانه‌ها (۰/۸۸۴)، اهمیت تناسب اندام (۰/۸۸۴)، سرمایه اجتماعی ورزش محور (۰/۹۴۹)، سرمایه فرهنگی ورزش محور (۰/۸۲۹)، مصرف رسانه‌ای (۰/۶۰۱) نمایش مدیریت شخصی بر بدن در رسانه‌ها (۰/۹۳۷) گزارش شده است.

جدول ۱: متغیرهای تحقیق و تعاریف مفهومی و عملیاتی آن

متغیرها	تعاریف مفهومی و عملیاتی
طبقه اجتماعی - اقتصادی	درباره اندازه‌گیری طبقه اجتماعی - اقتصادی، از تعریف عینی طبقه استفاده شده است، سطح تحصیلات، قیمت خودرو، قیمت موبایل، قیمت منزل مسکونی و دیگر املاک، حقوق ماهیانه، منطقه محل سکونت فرد در صورتی که مالک است، وضعیت لوازم خانگی و قیمت آن و... از جمله معرف‌های طراحی شده هستند.
تصور شخص از بدن	اینکه تا چه اندازه فرد می‌پندارد که اگر برای سلامتی، رژیم غذایی و تناسب اندامش اهمیت قائل شود، جلوه بهتری در چشم دیگران دارد و دیگران ارزش بیشتری برای او قائل می‌شوند.
مصرف رسانه‌ای	مصرف رسانه‌ای به میزان استفاده فرد از وسایل ارتباط جمعی اشاره دارد. اینکه فرد در طول شبانه‌روز چقدر از وسایل ارتباط جمعی از جمله: رادیو، تلویزیون، ماهواره، اینترنت و... استفاده می‌کند (فاتحی، ۱۳۸۷)
نمایش تبلیغات ورزشی در رسانه‌ها	به تبلیغات گوناگون ورزشی اشاره دارد که شهروندان را به ورزش ترغیب می‌کند. این تبلیغات می‌توانند درباره فروش انواع وسایل و امکانات ورزشی باشند که شهروندان می‌توانند به وسیله آنها در داخل یا خارج از خانه به راحتی حرکات ورزشی را انجام دهند. همچنین اینگونه تبلیغات می‌توانند درباره معرفی مکانهای ورزشی و امکانات ورزشی در باشگاهها و دیگر مراکز ورزشی باشند.
نمایش مدیریت شخصی بر بدن در رسانه‌ها	تماشای فعالیت ورزشی شخصیت‌های سینمایی، به عنوان مثال: نمایش فعالیت ورزشی آنها در باشگاهها، توجه آنها به رعایت رژیم غذایی، در فیلمها و سریالها
آگاهی فرد از سودمندی فعالیت ورزشی	آگاهی فرد درباره تأثیر ورزش بر کاهش فشار خون، کاهش چربی خون، کاهش قندخون، کاهش استرس، تأثیر ورزش بر جلوگیری از بیماری‌های قلبی و

<p>عروقی، اضطراب و افسردگی</p>	
<p>برای تعریف عملیاتی گرایش شهروندان به ورزش همگانی می‌توان میزان فعالیت بدنی شهروندان را در موارد زیر جویا شد: فعالیت ورزشی در خانه (نرمش، استفاده از وسایل ورزشی و...)، فعالیت ورزشی در هنگام رفتن به پارک‌ها و دیگر مناطق تفریحی، کوهنوردی، شنا، رفتن به باشگاههای ورزشی، پیاده‌روی منظم در طول روز</p>	<p>گرایش شهروندان به ورزش همگانی</p>
<p>معرف‌ها: اینکه تا چه اندازه فعالیت‌های شغلی فرد، فعالیت جسمی را می‌طلبد، اینکه تا چه اندازه فعالیت‌های شغلی، اجازه اختصاص زمانی را برای انجام فعالیت‌های ورزشی در اوقات فراغت به شخص می‌دهد، اینکه تا چه اندازه مشغله‌های خانوادگی شغلی اجازه اختصاص زمانی را در جهت انجام فعالیت‌های ورزشی در اوقات فراغت به شخص می‌دهد، اینکه تا چه اندازه مشغله‌های تحصیلی اجازه اختصاص زمانی را برای انجام فعالیت‌های ورزشی در اوقات فراغت به شخص می‌دهد، اینکه تا چه اندازه محیطی که فرد در آن زندگی می‌کند، مستعد انجام فعالیت‌های ورزشی است.</p>	<p>سرمایه اقتصادی ورزش محور (تعریف کامل سرمایه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ورزش محور در چارچوب نظری تحقیق بیان شده است)</p>
<p>معرف‌ها: علاقه به رشته ورزشی خاص، پیگیری مسابقات ورزشی از رسانه‌ها، تماشای مسابقات ورزشی، رفتن به استادیوم‌ها، خواندن روزنامه و مجلات ورزشی، پیگیری نتایج مسابقات از اینترنت و...</p>	<p>سرمایه فرهنگی ورزش محور</p>
<p>معرف‌ها: چقدر خانواده (پدر، مادر، برادران و خواهران و...) فرد را به انجام ورزش تشویق می‌کنند؟، چقدر دوستان فرد را به ورزش تشویق می‌کنند؟، چقدر همکاران فرد را به ورزش تشویق می‌کنند؟، چقدر سازمانهای دولتی (شهرداری و تربیت بدنی و...) امکانات ورزشی را برای شهروندان فراهم می‌کنند؟ چقدر دانشگاهها و دیگر مراکز علمی امکانات ورزشی را در اختیار شهروندان قرار می‌دهند؟</p>	<p>سرمایه اجتماعی ورزش محور</p>

تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق

از میان جمعیت نمونه تحقیق ۱۹۱ نفر (۴۸/۷٪) را زنان و ۲۰۱ (۵۱/۳ درصد) را مردان تشکیل داده‌اند. میانگین سنی افراد ۳۱/۱۵ سال بوده است و ۴۵/۵ درصد را مجردین، ۵۱/۱

متأهلین و ۳/۵ درصد را افراد مطلقه تشکیل داده‌اند. دربارهٔ تعداد عائله به ترتیب ۴۳، ۴۵/۶، ۴، ۴/۷، ۴ درصد را ۳ نفر و کمتر، ۴-۵ نفر، ۶-۷ نفر و ۸ نفر و بیشتر تشکیل داده‌اند. دربارهٔ اندازه‌گیری متغیر «اهمیت رژیم غذایی» همانطور که در جدول زیر نشان داده شده است، اکثر میانگین پاسخ‌های به دست آمده بالاتر از حد متوسط گزارش شده است. دیگر نتایج این جدول بیانگر آن است که مردم شهر کرمان معتقدند که هرچقدر از مصرف غذاهای آماده و زیاده‌روی در مصرف غذا پرهیز کنند جلوه بهتری در چشم دیگران دارند.

جدول ۲: میانگین پاسخ‌های ارائه شده دربارهٔ اهمیت رژیم غذایی

خطای استاندارد میانگین	میانگین	بدون جواب	پاسخ صحیح	
.059	3.59	0	391	تا چه اندازه فکر می‌کنید که اگر از مصرف بی‌رویهٔ غذاهای چربی دار دوری کنید، جلوه بهتری در چشم دیگران می‌یابید؟
.056	3.48	0	391	تا چه اندازه فکر می‌کنید که اگر از مصرف بیش از حد ساندویچ و غذای بیرون دوری کنید، جلوه بهتری در چشم دیگران می‌یابید؟
.060	3.48	1	390	تا چه اندازه فکر می‌کنید که اگر از پرخوری دوری کنید، جلوه بهتری در چشم دیگران می‌یابید؟
.062	3.46	1	390	تا چه اندازه فکر می‌کنید که اگر از مصرف بیش از حد نوشابه دوری کنید، جلوه بهتری در چشم دیگران می‌یابید؟
.066	3.45	1	390	تا چه اندازه فکر می‌کنید که اگر از مصرف بی‌رویه مواد قندی دوری کنید، جلوه بهتری در چشم دیگران می‌یابید؟

درباره اهمیت تناسب اندام در نزد شهروندان نیز اکثر پاسخ‌های ارائه شده، بالاتر از حد متوسط است. بیشترین میانگین پاسخ‌ها مربوط به شرکت در باشگاه‌های بدنسازی است و پس از آن گرایش شهروندان به پیاده‌روی روزانه زیاد است.

جدول ۳: میانگین پاسخ‌های ارائه شده درباره اهمیت تناسب اندام

خطای استاندارد میانگین	میانگین	گویه‌های پرسشنامه
.061	3.08	تا چه اندازه فکر می‌کنید که اگر در طول روز کاری (در محل کار یا دانشگاه و مکانهای دیگر) دفاعتی را به استفاده از پله به جای اسانسور به منظور حفظ تناسب اندام اختصاص دهید جلوه بهتری در چشم دیگران پیدا می‌کنید؟
.058	3.14	تا چه اندازه فکر می‌کنید که اگر در طول هفته ساعتی را به کوهنوردی اختصاص دهید جلوه بهتری در چشم دیگران پیدا می‌کنید؟
.053	3.35	تا چه اندازه فکر می‌کنید که اگر در طول هفته ساعتی را به دویدن در پارکها و دیگر مکانهای مناسب برای این ورزش اختصاص دهید جلوه بهتری در چشم دیگران پیدا می‌کنید؟
.071	2.94	تا چه اندازه فکر می‌کنید که اگر در طول هفته ساعتی را به رفتن به شنا اختصاص دهید، جلوه بهتری در چشم دیگران پیدا می‌کنید؟
.057	3.37	تا چه اندازه فکر می‌کنید که اگر در طول هفته ساعتی را به پیاده‌روی در طول روز اختصاص دهید، جلوه بهتری در چشم دیگران پیدا می‌کنید؟
.058	3.43	تا چه اندازه فکر می‌کنید که اگر ساعتی از روز را به باشگاه‌های بدنسازی بروید، جلوه بهتری در چشم دیگران پیدا می‌کنید؟

با وجود مثبت شهروندان درباره اهمیت رژیم غذایی و تناسب اندام، داده‌های جدول زیر بیانگر آن است که گرایش شهروندان به انجام فعالیت‌های ورزشی بسیار پایین‌تر از حد

متوسط گزارش شده است. گرایش شهروندان به استفاده از وسایل ورزشی در خانه و همچنین انجام حرکات نرمشی روزانه در منزل بسیار پایین است. سؤالی که باید در اینجا مطرح کرد این است که چرا با وجود بالا بودن ارزیابی شهروندان درباره رعایت رژیم غذایی و تناسب اندام، گرایش به ورزش همگانی بسیار پایین گزارش شده است؟ برای پاسخ به این سؤال فرضیات تحقیق را مورد آزمون قرار داده و در مدل مسیر وارد کردیم.

جدول ۴: میانگین پاسخ‌های ارائه شده درباره گرایش به ورزش همگانی

خطای استاندارد میانگین	میانگین	بدون جواب	پاسخ صحیح	
.039	1.42	16	375	نرمش، استفاده از وسایل ورزشی و... در خانه
.048	1.79	16	375	فعالیت ورزشی در هنگام رفتن به پارک‌ها و دیگر مناطق تفریحی
.052	1.76	6	385	پیاده‌روی منظم در طول روز
.058	1.68	134	257	شنا
.064	1.49	163	228	کوهنوردی

بین طبقه اجتماعی - اقتصادی و گرایش شهروندان به ورزش همگانی رابطه معناداری وجود دارد. ضریب پیرسون برابر با ۰/۱۴۱ بوده که با (sig=0/005) معنادار است. بین تصور شخص از بدن و گرایش شهروندان به ورزش همگانی رابطه معناداری وجود دارد. ضریب پیرسون در سطح (sig=0/003) برابر با ۰/۱۵۰ و معنادار است. بین مصرف رسانه‌ای و گرایش شهروندان به ورزش همگانی رابطه معناداری وجود دارد. ضریب پیرسون برابر با ۰/۲۴۱ و با (sig=0/000) معنادار است. بین نمایش تبلیغات ورزشی در رسانه‌ها و گرایش شهروندان به ورزش همگانی رابطه معناداری وجود دارد. ضریب خی دو برابر با ۰/۱۶۹ که با (sig=0/001) معنادار است.

بین نمایش مدیریت شخصی بر بدن در رسانه‌ها و گرایش شهروندان به ورزش همگانی رابطه معناداری وجود دارد. ضریب پیرسون برابر با ۰/۱۴۹ و با (sig=0/003) معنادار است. بین آگاهی فرد از سودمندی فعالیت ورزشی و گرایش شهروندان به ورزش همگانی رابطه معناداری وجود دارد. ضریب پیرسون برابر با ۰/۲۸۳ است که معنادار نیست. بین سرمایه اجتماعی ورزش محور و گرایش شهروندان به ورزش همگانی رابطه معناداری وجود دارد. ضریب پیرسون برابر با ۰/۱۰۲ و با (sig=0/043) معنادار است. بین سرمایه فرهنگی ورزش محور و گرایش شهروندان به ورزش همگانی رابطه معناداری وجود دارد. ضریب پیرسون برابر با ۰/۱۷۴ و با (sig=0/001) معنادار است. بین سرمایه اقتصادی ورزش محور و گرایش شهروندان به ورزش همگانی رابطه معناداری وجود دارد. ضریب پیرسون برابر با ۰/۳۹۲ که با (sig=0/000) معنادار است.

تجزیه و تحلیل رگرسیونی متغیرهای تحقیق

پس از برآورد کوواریانس متغیرهای مستقل و وابسته، این متغیرها وارد نرم افزار Amos 17، شدند تا در قالب مدل مسیر مورد تحلیل قرار بگیرند. برای متغیر وابسته (گرایش شهروندان به ورزش همگانی)، مقدار خطای خارج از مدل با علامت (e) و برای متغیر سرمایه فرهنگی ورزش محور، (Z) به عنوان خطای خارج از مدل معرفی شده است (این متغیر با توجه به اصلاحات مدل، وارد مدل مسیر شده است و دیگر متغیرهایی که بر متغیر وابسته تاثیر نداشته اند) از مدل حذف شده اند. متغیرهای تصور شخص از بدن، مصرف رسانه ای بر متغیر وابسته تاثیر مستقیم، و متغیرهای سرمایه اقتصادی و اجتماعی ورزش محور تاثیر غیرمستقیم و از راه متغیر سرمایه فرهنگی ورزش محور تاثیر گذارند. ضریب (p) یا سطح معناداری عدد (۰/۰۶۱) را نشان می‌دهد که بیانگر برآزش مطلوب داده‌ها با مدل است. ضرایب (RMR) در کنار دیگر ضرایب (GFI) بیانگر مطلوبیت مدل است. دیگر ضرایب نیکویی برآزش در جداول زیر مشخص شده اند. ضرایب استاندارد نشان می‌دهند که بیشترین تاثیر مستقیم را متغیر مصرف رسانه ای و پس از آن سرمایه فرهنگی ورزش

محور، بر متغیر وابسته داشته اند. این ضرایب به ترتیب برابر با ۰/۱۹۸، ۰/۱۵۸ گزارش شده اند.

طبق چارچوب نظری تحقیق، تاثیر روابط و مناسبات اجتماعی بر ورزش مشهود است. این روابط و مناسبات می توانند به ورزش معنا دهند و افراد جامعه با انتخاب سبک زندگی ورزش محور، ورزش را سرلوحه زندگیشان قرار می دهند. از میان عواملی که چارچوب نظری تحقیق، برای تبیین رابطه عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش به ورزش همگانی پیش بینی کرده است، تاثیر متغیرهای: سرمایه اجتماعی ورزش محور، آگاهی از سودمندی ورزش، نمایش مدیریت شخصی بر بدن، تبلیغات ورزشی در رسانه ها، اهمیت رژیم غذایی و طبقه اجتماعی، بر گرایش شهروندان به ورزش همگانی معنادار نیست. به همین علت بین نتایج جدول ۲ و ۳ با جدول ۴ مغایرت وجود دارد. از طرف دیگر نتایج تحلیل رگرسیونی نشانگر آن است که گرایش شهروندان به ورزش همگانی تحت تاثیر متغیرهای: تصور از بدن، مصرف رسانه ای، و سرمایه فرهنگی ورزش محور است.

از جمله عواملی که باعث می شود افراد سبک زندگی خود را ورزش محور انتخاب کنند، تصور شخص از بدن است. این تصور در یک زمینه اجتماعی و در کنش متقابل اجتماعی میان فرد و دیگران، در یک رهیافت تفسیرگرایانه از موقعیت ها، به دست می آید زیرا دیگران می توانند درباره تناسب اندام و مدیریت شخص بر بدن، قضاوت کنند. تصور شخص از بدن به این نکته اشاره دارد که فرد تا چه اندازه می پندارد که اگر برای سلامتی خود به رژیم غذایی و تناسب اندام اهمیت دهد، جلوه بهتری در چشم دیگران خواهد داشت.

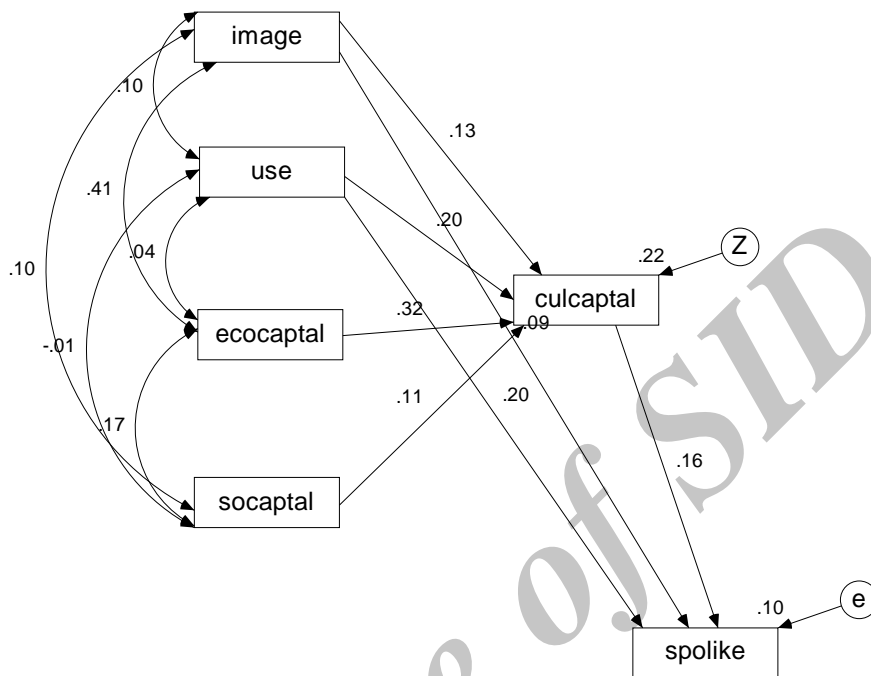
اما قضاوت و انتظار شهروندان در مسیر تکامل جوامع و فرایند جهانی شدن، شکل ویژه ای به خود می گیرد. تکنولوژی در این زمینه نقش مؤثری خواهد داشت. به گونه ای که تکنولوژی از یک طرف فعالیت های بدنی را کاهش می دهد اما از طرف دیگر، این رسانه ها هستند که توانایی آن را دارند تا عادات جدیدی را بر اساس ارزشهای مبتنی بر ورزش در

افراد ایجاد کنند. نتایج تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که مصرف رسانه‌ای افراد درباره گرایش به ورزش همگانی، نقش موثری بر عهده دارد.

طبق چارچوب نظری تحقیق، انتخاب سبک زندگی ورزش محور، تحت تاثیر شانس‌ها و فرصت‌های زندگی فردی (رویکرد ماکس وبر) نیز قرار دارد که این فرصت‌ها توسط (با توجه به دیدگاه بوردیو) سرمایه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی ورزش محور در دسترس افراد قرار می‌گیرد. نتایج تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که سرمایه فرهنگی ورزش محور تاثیر مستقیم و مثبت (۰/۱۵۸) بر گرایش به ورزش همگانی دارد. یعنی هرچه قدر که فرد علاقه بیشتری به یک رشته ورزشی خاص داشته باشد، هرچه بیشتر مسابقات ورزشی را از رسانه‌ها پیگیری کند، هرچه بیشتر به استادیوم و سالن‌های ورزشی برود، روزنامه و مجلات ورزشی بخواند، در او گرایش بیشتری به ورزش پدیدار می‌شود.

رابطه مستقیم سرمایه اجتماعی و اقتصادی ورزش محور و گرایش شهروندان به ورزش همگانی، معنادار گزارش نشده است اما این متغیرها از طریق تاثیری که بر سرمایه فرهنگی ورزش محور دارند با گرایش شهروندان به ورزش همگانی ارتباط برقرار کرده‌اند. دیگر نتایج تحلیل مسیر در جداول زیر گزارش شده است.

Archive of SID



نمودار: مدل مسیر زمینه های اجتماعی مؤثر بر گرایش شهروندان به ورزش همگانی

Image تصور شخص از بدن، Use مصرف رسانه ای، Ecocaptal سرمایه اقتصادی ورزش محور، Culcaptal سرمایه فرهنگی ورزش محور، Socaptal سرمایه اجتماعی ورزش محور، Spolike گرایش به ورزش همگانی

جدول ۵: شاخص کلی برازش کای اسکوئر (CMIN)

Model	NPAR	CMIN	DF	P	CMIN/DF
Default model	19	5.604	2	.061	2.802
Saturated model	21	.000	0		
Independence model	6	230.226	15	.000	15.348

جدول ۶: شاخص برازش نسبی (RMR, GFI)

Model	RMR	GFI	AGFI	PGFI
مدل تدوین شده	1.243	.995	.950	.095
مدل اشباع شده	.000	1.000		
مدل استقلال	17.141	.816	.743	.583

جدول ۷: شاخص برازش هنجار شده (NFI)

Model	NFI Delta1	RFI rho1	IFI Delta2	TLI rho2	CFI
مدل تدوین شده	.976	.817	.984	.874	.983
مدل اشباع شده	1.000		1.000		1.000
مدل استقلال	.000	.000	.000	.000	.000

جدول ۸: ریشه دوم میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA)

Model	RMSEA	LO 90	HI 90	PCLOSE
مدل تدوین شده	.068	.000	.138	.247
مدل استقلال	.192	.170	.214	.000

جدول ۹: ریشه دوم میانگین مربعات باقیمانده (RMR)

Model	RMR	GFI	AGFI	PGFI
مدل تدوین شده	1.243	.995	.950	.095
مدل اشباع شده	.000	1.000		
مدل استقلال	17.141	.816	.743	.583

جدول ۱۰: برآورد ضرایب رگرسیونی غیر استاندارد

	Estimate	S.E.	C.R.	P	Label
culcapital <--- image	.100	.039	2.564	.010	
culcapital <--- use	.424	.096	4.400	***	
culcapital <--- ecocaptal	.556	.086	6.469	***	
culcapital <--- socaptal	.024	.010	2.385	.017	
spolike <--- culcapital	.044	.014	3.075	.002	
spolike <--- use	.119	.030	4.002	***	
spolike <--- image	.019	.011	1.702	.089	

*** (سطح معناداری در سطح ۹۹ درصد اطمینان است)

جدول ۱۱: برآورد ضرایب رگرسیونی استاندارد

	Estimate
culcapital <--- image	.126
culcapital <--- use	.197
culcapital <--- ecocaptal	.319
culcapital <--- socaptal	.108
spolike <--- culcapital	.158
spolike <--- use	.198
spolike <--- image	.086

جدول ۱۲: برآورد کوواریانس متغیرهای مستقل

	Estimate	S.E.	C.R.	P	Label
ecocaptal <--> socaptal	28.171	8.620	3.268	.001	
socaptal <--> use	-1.693	6.891	-.246	.806	
socaptal <--> image	38.685	18.783	2.060	.039	
ecocaptal <--> use	.628	.894	.702	.483	
ecocaptal <--> image	19.480	2.615	7.448	***	
use <--> image	3.754	1.973	1.903	.057	

جدول ۱۳: برآورد همبستگی چندگانه^۱

	Estimate
culcapital	.224
spolike	.096

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری:

این تحقیق در پی آن است که عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مؤثر بر گرایش شهروندان به ورزش همگانی را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد. نتایج داده‌های توصیفی تحقیق بیانگر آن است که مردم شهر کرمان معتقدند هر چقدر از مصرف غذاهای آماده و زیاده‌روی در مصرف غذا پرهیز کنند، جلوه بهتری در چشم دیگرانی می‌یابند. میانگین پاسخ‌های به‌دست‌آمده در این مورد بالاتر از حد متوسط گزارش شده است.

دربارۀ اهمیت تناسب اندام در نزد شهروندان نیز اکثر پاسخ‌های ارائه شده بالاتر از حد متوسط است. بیشترین میانگین پاسخ‌ها مربوط به شرکت در باشگاه‌های بدنسازی است و پس از آن گرایش شهروندان به پیاده‌روی روزانه زیاد است.

با وجود ارزیابی مثبت شهروندان دربارۀ اهمیت رژیم غذایی و تناسب اندام، داده‌های حاصل از اندازه‌گیری گرایش شهروندان به ورزش همگانی، نشانگر آن است که گرایش شهروندان به انجام فعالیت‌های ورزشی بسیار پایین‌تر از حد متوسط است. برای تحلیل مغایرت میان نتایج دو جدول بالا، از نتایج تحلیل رگرسیونی استفاده کردیم.

نتایج تحلیل رگرسیونی بیانگر آن است که تأثیر متغیرهای: سرمایه اجتماعی ورزش محور، آگاهی از سودمندی ورزش، نمایش مدیریت شخصی بر بدن، تبلیغات ورزشی در رسانه‌ها، اهمیت رژیم غذایی و طبقه اجتماعی بر گرایش شهروندان به ورزش همگانی معنادار نیست، به همین علت بین نتایج جدول ۱ و ۲ با جدول ۳، مغایرت وجود دارد. از طرف دیگر نتایج تحلیل رگرسیونی نشانگر آن است که گرایش شهروندان به ورزش

¹ Squared Multiple Correlations

همگانی تحت تأثیر مستقیم متغیرهای: تصور از بدن، مصرف رسانه‌ای و سرمایه فرهنگی ورزش محور و تأثیر غیر مستقیم متغیرهای سرمایه اجتماعی و اقتصادی ورزش محور است.

نتایج تحقیق نشان می‌دهند که در فرایند جهانی شدن، تأثیر رسانه‌ها بر افراد بسیار زیاد است. کسانی که مصرف رسانه‌ای بیشتری دارند، گرایش بیشتری به ورزش پیدا می‌کنند؛ اما با این حال، سرمایه فرهنگی ورزش محور نیز تأثیر زیادی را بر این گرایش خواهد داشت. اینکه فرد به رشته ورزشی خاصی علاقه داشته باشد و مسابقات ورزشی را از رسانه‌ها پیگیری کند یا به تماشای مسابقات ورزشی علاقه داشته باشد و حاضر باشد حتی به استادیوم‌ها برود یا روزنامه و مجلات ورزشی را مطالعه کند، گرایش بیشتری در او به ورزش ایجاد خواهد کرد. اما از طرف دیگر سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی ورزش محور با تأثیری که بر سرمایه فرهنگی ورزش محور دارند، گرایش شهروندان را متأثر می‌سازند؛ یعنی هرچقدر خانواده (پدر، مادر، برادران و خواهران و...)، دوستان و همکاران فرد را به ورزش تشویق کنند و هرچقدر سازمان‌های دولتی (شهرداری و تربیت بدنی و...) و دانشگاه‌ها، امکانات ورزشی را برای شهروندان فراهم کنند، سرمایه فرهنگی ورزش محور تقویت می‌شود و از طرف دیگر این نوع سرمایه می‌تواند گرایش شهروندان به ورزش را افزایش دهد. در این تأثیر باید فعالیت‌های شغلی فرد نیز در محل کار، فعالیت جسمی را طلب کند و همچنین فعالیت‌های شغلی او اجازه اختصاص زمانی را برای انجام فعالیت‌های ورزشی در اوقات فراغت در اختیار فرد قرار دهد و همچنین مشغله‌های خانوادگی، شغلی و تحصیلی و... نیز بستر مناسبی را برای او برای اختصاص دادن زمانی به ورزش فراهم آورد.

راهکارهای ما برای افزایش گرایش شهروندان به ورزش همگانی بدین صورت است: تبلیغات گسترده در رسانه‌ها دربارهٔ وسایل ورزشی، معرفی ورزشگاه‌ها و دیگر مراکز ورزشی در رسانه‌ها، نمایش سریال‌ها و فیلم‌هایی که هنرپیشگان از ورزش در طول روز

استفاده می‌کنند، گسترش سرمایه فرهنگی ورزش محور، گسترش سرمایه اجتماعی ورزش محور، گسترش سرمایه اقتصادی ورزش محور.

منابع

- ۱ - احمدی مظفری، سید امیر وقره، محمدعلی، (۱۳۸۴)، وضعیت ورزش همگانی ایران و مقایسه آن با چند کشور منتخب جهان، نشریه علوم حرکتی و ورزش، شماره ۶، زمستان
- ۲ - امیری مقدم، مرجان (۱۳۸۷)، بررسی عوامل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی موثر بر گرایش بانوان ۱۸-۴۰ ساله شهر کرمان به ورزش، پایان نامه کارشناسی ارشد پژوهشگری دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.
- ۳ - انورالخولی، امین (۱۳۸۳)، ورزش و جامعه، ترجمه حمیدرضا شیخی، تهران: سمت
- ۴ - پارسامهر، مهربان، زارع شاه‌آبادی، اکبر (۱۳۸۷) بررسی نقش فواید ادراک شده بر مشارکت بانوان جوان در فعالیت‌های بدنی (مطالعه موردی: بانوان شهر یزد)، مجله علمی- پژوهشی المپیک، شماره ۴۱.
- ۵ - روشندل، طاهر (۱۳۸۶) تبیین جایگاه رسانه‌های همگانی در نهادینه کردن ورزش همگانی در کشور، حرکت، دوره ۳۳.
- ۶ - فاتحی، ابوالقاسم و همکاران (۱۳۸۷)، مدیریت بدن و رابطه آن با پذیرش اجتماعی بدن (مطالعه موردی: زنان شهر شیراز) www.sid.ir، دیماه ۱۳۹۰.
- ۷ - فاتحی، ابوالقاسم، اخلاصی، ابراهیم (۱۳۸۷) مدیریت بدن و رابطه آن با پذیرش اجتماعی بدن، مطالعه موردی زنان شهر شیراز، مطالعات راهبردی زنان (کتاب زنان)، شماره ۱۱، پاییز
- ۸ - فتحی، سروش (۱۳۸۸)، تبیین جامعه‌شناختی مشارکت ورزش دانشجویان، پژوهش‌نامه علوم اجتماعی، سال سوم، شماره ۴، زمستان

- ۹ - قاسمی، وحید (۱۳۸۷)، تعیین‌کننده‌های ساختاری و سرمایه‌ای سبک زندگی سلامت محور، مسائل اجتماعی ایران، سال ۱۶، شماره ۶۳، زمستان.
- ۱۰ - گائینی، عباس علی (۱۳۸۷)، چشم‌انداز ورزش همگانی، رشد آموزش تربیت بدنی، شماره ۲۸، پاییز
- ۱۱ - گیدنز، آنتونی (۱۳۸۳)، تجدد و تشخیص، جامعه و هویت مشخص در عصر جدید، (ناصر موفقیان)، تهران نشر نی
- ۱۲ - لاهسانی زاده عبدالعلی، جهانگیری، جهانگیر، تامیان، حسن (۱۳۸۵) بررسی عوامل مؤثر بر علاقه دانشجویان به ورزش با مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شیراز، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره بیست و چهارم، شماره ۲، تابستان
- ۱۳ - مفلحی، داریوش، قهرمان تبریزی، کوروش (۱۳۸۶)، ارتباط بین تحلیل رفتگی و فعالیت‌های بدن اعضای هیأت علمی دانشگاه شهید باهنر کرمان، پژوهش در علوم ورزش، شماره ۱۷، زمستان

منابع انگلیسی

- 1- Akers, r. (1985). Deviant behavior: a social learning approach, 3redn. Wadsworth, Belmont, ca. 67- 68.
- 2- Anderssen, B. (1992). Parental and peer influences on leisure- time physical activity in young adolescents. Research quarterly for exercise and sport. 63: 341- 348
- 3- Atkinson P.& Russel, G. (1981)." The relationship between outdoor recreation participation and environmental concern." Aac 8126671 proquest dissertation abstracts.
- 4- Bandura, a. (1997) social learning theory. Prentice- hall englewood cliffs, ni.
- 5- Blair, s. n. and etal. (1993). Physical activity physical fitness, and all- cause mortality in women: do women need to be active. Journal of American college of nutrition. 13.: 368- 371.
- 6- Bourdieu, p.(1998).Acts of Resistance. New York: New press.
- 7- Coakley, j. white, a. (1992). Making decision: 6ender and sport participation among British adolescents. Sociology of sport journal. 9: 20-35.
- 8- Cockerham, wiliam c(2007),social causes of health and disease, Cambridge: polity.

- 9- Eyler, a. undetal. (1997). Physical activity and women in the United States: an overview of health benefits. Prevalence and intervention opportunities. *Women and health* 26: 27- 150
- 10- Fuchs Reinhard(1997). Casual models of physical exercise participation: Testing the predictive power of the construct X pressure to change. *Annals of Applied social psychology*. 27
- 11- Ritzer, George. (2011). *Sociological Theory*. Eighth Edition. New York: Mac Graw Hill

Archive of SID